اعتراف باراک اوباما به قدرت ایران همزمان با تهدیدهای رنگ‌باخته ترامپ و نتانیاهو

ایران حق وتو دارد!

گروه سیاسی

در تاریخ معاصر روابط بین‌الملل، لحظاتی وجود دارد که در آن، حقیقتِ میدان نه از زبان پیروز نبرد، بلکه در قالب اعترافات ناگزیر طرف شکست خورده در تریبون‌های رسمی خودش آشکار می‌شود. روز بیست و چهارم اکتبر ۲۰۲۶ برابر با دوم آبان ۱۴۰۵ در شهر کلیولند ایالت اوهایو، دقیقاً یکی از همین لحظات تاریخی رقم خورد؛ جایی که باراک اوباما، رئیس جمهور پیشین ایالات متحده، در میانه یک کارزار انتخاباتی، پرده از واقعیتی برداشت که کاخ سفید ماه‌ها تلاش می‌کرد آن را در پسِ تبلیغات رسانه‌ای و ادعاهای پرطمطراق پنهان کند. سخنان اوباما در نقد جنگ‌افروزی دونالد ترامپ علیه ایران، فراتر از یک تسویه حساب حزبی میان دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در آستانه انتخابات، در حکم صدور گواهی رسمی بر پایان عصر یکه‌تازی آمریکا و ثبت شکست یک ابرقدرت مدعی هژمونی جهانی در برابر اراده و اقتدار یک قدرت ریشه‌دار منطقه‌ای به نام جمهوری اسلامی ایران است. برای درک عمق راهبردی آنچه در کلیولند بیان شد، باید به کنایه‌ای دقت کرد که اوباما با لحنی گزنده به رخ دولت مستقر آمریکا کشید؛ آنجا که پرسید پس از گذشت هفت ماه از آغاز جنگ و شش ماه از زمانی که مدعیان در واشنگتن اعلام پیروزی کردند، اکنون اوضاع جنگ چگونه پیش می‌رود؟ این پرسش کوتاه، عصاره تمام خطاهای محاسباتی هیئت حاکمه آمریکا در قبال ایران طی بیش از چهار دهه گذشته است. طراحان جنگ در واشنگتن، اسیر در توهم «ابرقدرت بلامنازع» بودن، گمان می‌کردند که با خروج از توافق‌های دیپلماتیک و توسل به گزینه نظامی، می‌توانند در عرض چند هفته کار را یکسره کرده و با یک اعلام پیروزی زودهنگام، اراده خود را بر تهران تحمیل کنند. اما سنتِ تثبیت شده در منازعات نامتقارن قرن بیست و یکم بار دیگر اثبات کرد که آغازگر جنگ با ایران، هرگز تعیین کننده پایان و نتیجه آن نخواهد بود. شش ماه پس از هیاهوی تبلیغاتی ترامپ درباره پیروزی، واقعیتِ روی زمین آن قدر تلخ و انکارناپذیر شده است که رئیس جمهور پیشین آمریکا چاره‌ای جز به سخره گرفتن آن ادعای توخالی نمی‌بیند.

تکان دهنده‌ترین بخش اعترافات اوباما، جایی است که او بی‌پرده به ترازوی هزینه‌ها و تلفات نظامی آمریکا در این نبرد اشاره می‌کند و می‌گوید که متحدان و پایگاه‌های آمریکا هدف حمله قرار گرفته‌اند، نظامیان آمریکایی کشته و صدها تن از آنان زخمی شده‌اند و ذخایر موشکی ایالات متحده به تحلیل رفته است. این جملات در ادبیات سیاسی و نظامی واشنگتن، معادل یک زلزله ژئوپلیتیکی است. دهه‌ها بود که دکترین امنیت ملی آمریکا بر پایه «بازدارندگی تهاجمی» و ایجاد شبکه گسترده‌ای از پایگاه‌های نظامی پیرامون مرزهای ایران استوار شده بود؛ پایگاه‌هایی که قرار بود به عنوان دژهای نفوذناپذیر، سایه تهدید دائمی را بر سر جمهوری اسلامی نگه دارند. اکنون اما اوباما صراحتاً اعتراف می‌کند که در جریان رویارویی واقعی، همان پایگاه‌ها و متحدان به نقاط ضعف و اهدافی آسیب‌پذیر در برابر ضربات دقیق و کوبنده ایران تبدیل شده‌اند. فراتر از آسیب‌پذیری پایگاه‌ها و تلفات انسانی که همواره پاشنه آشیل تصمیم‌گیران آمریکایی در افکار عمومی داخلی بوده است، اعتراف به «مصرف شدن و تحلیل رفتن ذخایر موشکی آمریکا» نشان دهنده شکست دکترین نظامی غرب در برابر عمق راهبردی و توان بومی دفاعی ایران است. کشوری که دهه‌ها تحت شدیدترین تحریم‌های تسلیحاتی و اقتصادی تاریخ قرار داشت، با تکیه بر دانش بومی و دکترین مقاومت فعال، چنان معادله‌ای را در میدان نبرد رقم زده است که زرادخانه‌های پرمدعای پنتاگون در برابر آن به نفس نفس افتاده‌اند. وقتی یک ابرقدرت با بودجه نظامی نزدیک به یک تریلیون دلار در برابر یک قدرت منطقه‌ای مستقل دچار فرسایش ذخایر راهبردی و موشکی می‌شود، معنای روشن آن جابه‌جایی تاریخی در موازنه قدرت و فروپاشی افسانه شکست‌ناپذیری ارتش ایالات متحده است.

در بخش دیگری از این سخنرانی، اوباما تلاش می‌کند با یادآوری توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، سیاست خود را در نقطه مقابل ماجراجویی نظامی ترامپ قرار دهد و تأکید می‌کند که برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، نیازی به شلیک حتی یک موشک نبود و او توانسته بود از مسیر دیپلماسی این موضوع را مدیریت کند، در حالی که ترامپ با خروج از توافق، جنگی غیرضروری را آغاز کرد که هیچ کس خواهان آن نبود.

هرچند اوباما می‌کوشد از این رهگذر، کارنامه دولت خود را تطهیر کند، اما در بطن همین استدلال نیز اعترافی بزرگ به اقتدار ایران نهفته است. معنای ضمنی سخن اوباما این است که ایالات متحده حتی در دوران او نیز به این جمع‌بندی قطعی رسیده بود که گزینه نظامی علیه ایران ناکارآمد و پرهزینه است و واشنگتن چاره‌ای جز نشستن پای میز مذاکره و به رسمیت شناختن حقوق و وزن ژئوپلیتیکی تهران ندارد. به عبارت دیگر، چه رویکرد دیپلماتیک اوباما که محصول استیصال در برابر پیشرفت‌های علمی و هسته‌ای ایران بود و چه شکست مفتضحانه ترامپ در میدان نبرد پس از پاره کردن برجام، هر دو روی یک سکه را نشان می‌دهند و آن، ناتوانی مطلق ساختار قدرت در آمریکا برای تسلیم کردن ملت ایران است.

اما اوج تحلیل راهبردی و اعتراف کم‌سابقه اوباما را باید در به کار بردن یک اصطلاح خاص برای توصیف موقعیت کنونی ایران جست‌وجو کرد؛ جایی که او با صراحت تمام اعلام می‌کند که اکنون ایران بر تنگه هرمز، یعنی شاهرگ انتقال نفت به بازارهای جهانی، «قدرت وتو» دارد. استفاده از تعبیر «قدرت وتو» از سوی فردی که هشت سال در رأس هرم قدرت آمریکا قرار داشته و با ظرایف حقوقی و سیاسی این واژه آشناست، بسیار معنادار است. در نظم پس از جنگ جهانی دوم، حق وتو نماد انحصاری قدرت‌های بزرگ و فاتحان جنگ در شورای امنیت سازمان ملل بود تا از طریق آن، اراده خود را بر معادلات بین‌المللی دیکته کنند. امروز اما به گواهی رئیس جمهور پیشین آمریکا، جنگی که ترامپ با هدف تضعیف، مهار و به زانو درآوردن جمهوری اسلامی ایران به راه انداخت، به نتیجه‌ای کاملاً معکوس انجامیده و به ایران یک «حق وتوی میدانی و ژئوپلیتیکی» در حیاتی‌ترین آبراه انرژی جهان بخشیده است.

این قدرت وتوی راهبردی در تنگه هرمز، یک مفهوم انتزاعی یا صرفاً تبلیغاتی نیست، بلکه واقعیتی است که پیامدهای آن مستقیماً در بطن جامعه و اقتصاد آمریکا لمس می‌شود. اوباما خود این حلقه اتصال را تکمیل می‌کند و به شهروندان آمریکایی در کلیولند می‌گوید که دقیقاً به همین دلیل است که قیمت نفت و قیمت گازوئیل افزایش یافته است. این اعتراف نشان می‌دهد که دوران جنگ‌های فرامرزیِ بی‌هزینه برای واشنگتن به سرآمده است. اگر در گذشته هیئت حاکمه آمریکا می‌توانست در هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای خود بحران آفرینی کند، بدون آنکه شهروند عادی آمریکایی هزینه مستقیم آن را در زندگی روزمره خود بپردازد، در مواجهه با ایران این معادله به کلی دگرگون شده است. تسلط هوشمندانه و مقتدرانه جمهوری اسلامی بر گلوگاه‌های ژئوپلیتیکی و انرژی باعث شده است که موجِ بازگشتیِ ماجراجویی نظامی کاخ سفید، مستقیماً به پمپ‌بنزین‌ها، زنجیره تأمین و سفره اقتصادی مردم آمریکا اصابت کند و فشار تورمی ناشی از آن، به بحرانی سیاسی برای عاملان جنگ در داخل ایالات متحده تبدیل شود.

نگاه کلان به آنچه در تجمع انتخاباتی اوهایو گذشت، تصویر روشنی از نظم نوین منطقه‌ای و جهانی به دست می‌دهد.

ایالات متحده آمریکا که پس از فروپاشی شوروی خود را کدخدای بلامنازع دهکده جهانی می‌پنداشت و تصور می‌کرد با لشکرکشی و تهدید می‌تواند نقشه غرب آسیا را مطابق میل خود بازطراحی کند، امروز در برابر صخره استوار قدرت منطقه‌ای ایران به بن‌بست رسیده است.

قدرتی که جمهوری اسلامی ایران به نمایش گذاشته، نه محصول وابستگی به بلوک‌های قدرت خارجی است و نه نتیجه انباشت تسلیحات وارداتی؛ بلکه ثمره تکیه بر ایمان و اراده ملی، درک دقیق از جغرافیای سیاسی منطقه، توسعه فناوری‌های بومی دفاعی و پیگیری دکترین مقاومت هوشمندانه است.

سخنرانی ۲۴ اکتبر ۲۰۲۶ باراک اوباما در کلیولند، به عنوان سندی گویا در تاریخ ثبت خواهد شد؛ سندی که گواهی می‌دهد چگونه جنگی که با هدف نابودی یا تسلیم ایران آغاز شد، در نهایت به استهلاک ماشین جنگی آمریکا، تهی شدن انبارهای موشکی پنتاگون، بحران در اقتصاد انرژی غرب و تثبیت قدرت وتو برای جمهوری اسلامی ایران در تنگه هرمز منتهی گشت. این همان حقیقتی است که مقاومت ایران سال‌ها بر آن پافشاری کرد و اکنون، زبان اعتراف دشمن، رساترین گواه بر درستی و پیروزی آن در میدان تاریخ است.

امارات شریک شکست سعودی‌ها می‌شود

استیصال ریاض و ابوظبی در تله خودساخته

احمد حاجی صادقیان - تحلیلگر مسائل یمن

دیدار روز یکشنبه ۲۶ مهرماه «خالد بن سلمان»، وزیر دفاع عربستان سعودی، با «محمد بن زاید»، رئیس دولت امارات متحده عربی، در ابوظبی را باید فراتر از یک ملاقات دیپلماتیک معمول میان دو کشور همسایه ارزیابی کرد. این دیدار در شرایطی انجام شد که تحولات میدانی یمن و افزایش فشارهای نظامی بر عربستان، معادلات پیشین جنگ را دستخوش تغییر کرده است. اگرچه در اطلاعیه رسمی این ملاقات، بر روابط دوجانبه، تحولات منطقه‌ای و تقویت همکاری‌های امنیتی تاکید شده، اما همزمانی آن با گزارش‌ها درباره توافق ریاض و ابوظبی برای از سرگیری حمایت امارات از نیروهای یمنی مخالف انصارالله، اهمیت راهبردی این ملاقات را دوچندان می‌کند. گزارش روزنامه گاردین در ۲۵ مهرماه نیز از توافق دو طرف برای از سرگیری پرداخت پول به بخشی از نیروهای یمنی وابسته به امارات و فراهم شدن پشتیبانی هوایی عربستان از این نیروها خبر داده است. بر این اساس، دیدار خالد بن سلمان را می‌توان نشانه‌ای مهم از حرکت روابط دو کشور به سمت همکاری مجدد در پرونده یمن دانست؛ همکاری‌ای که در صورت تثبیت، می‌تواند بر صحنه نبرد تاثیر بگذارد، اما لزوما به معنای شکل‌گیری یک ائتلاف منسجم و پایدار نخواهد بود.

این دیدار در امتداد تحرکات دیپلماتیک پیشین میان دو کشور صورت گرفته است. پیش از این نیز سفر منصور بن زاید به عربستان و رایزنی‌های او با مقام‌های سعودی، زمینه‌های لازم برای نزدیک شدن مجدد دو طرف در پرونده یمن را فراهم کرده بود. اکنون حضور خالد بن سلمان در ابوظبی، در جایگاه وزیر دفاع عربستان و از چهره‌های موثر در سیاست امنیتی این کشور، می‌تواند مرحله تازه‌ای از این روند را نشان دهد. البته باید میان توافق برای هماهنگی مجدد و حل اختلافات بنیادین دو کشور تمایز قائل شد. ممکن است فشارهای میدانی و نگرانی مشترک از گسترش قدرت انصارالله، ریاض و ابوظبی را به همکاری موقت سوق داده باشد، اما چنین ضرورتی به خودی خود تضاد منافع دو طرف را از بین نمی‌برد. مسئله اصلی این است که عربستان و امارات، حتی در شرایطی که در برابر یک دشمن مشترک قرار می‌گیرند، درباره آینده سیاسی و جغرافیایی یمن و نیروهایی که باید در آن قدرت داشته باشند، الزاما دیدگاه یکسانی ندارند.

امارات شریک شکست عربستان خواهد بود

گزارش گاردین درباره از سرگیری پرداخت‌های مالی امارات به نیروهای یمنی و مشارکت محدود این کشور در عملیات هوایی علیه انصارالله، از همین منظر اهمیت دارد. امارات در سال‌های گذشته شبکه‌ای از نیروهای محلی را در جنوب یمن سازماندهی، تجهیز و آموزش داده است که بخشی از آنها از نظر سیاسی و نظامی به ابوظبی وابستگی دارند. این نیروها، از جمله تیپ‌های عمالقه و مجموعه‌های مرتبط با جریان تجزیه طلب جنوب یمن، در معادلات نظامی جنوب این کشور نقش مهمی ایفا کرده‌اند. توقف حمایت مالی امارات می‌توانست توان عملیاتی این مجموعه‌ها را تحت تاثیر قرار دهد؛ بنابراین از سرگیری پرداخت‌ها، حتی در سطح محدود، امکان احیای بخشی از ظرفیت نظامی ابوظبی را فراهم می‌کند. در چنین شرایطی، اگر پشتیبانی هوایی عربستان نیز در خدمت عملیات این نیروها قرار گیرد، هماهنگی میان توان هوایی سعودی و شبکه زمینی مورد حمایت امارات می‌تواند فشار مضاعفی بر انصارالله ایجاد کند. با این حال، نباید افزایش فشار نظامی بر انصارالله را با تقویت پایدار موقعیت عربستان در یمن یکسان دانست. آنچه در کوتاه مدت ممکن است به افزایش ظرفیت عملیاتی نیروهای مخالف انصارالله منجر شود، در میان مدت می‌تواند زمینه بازگشت اختلافاتی را فراهم کند که پیش از این یکی از عوامل اصلی تضعیف ائتلاف عربی بوده است. مسئله اساسی این است که عربستان و امارات، با وجود همکاری نظامی در سال‌های گذشته، هیچ‌گاه درباره تمام اهداف و اولویت‌های خود در یمن به توافق نرسیدند. ریاض به دنبال حفظ نفوذ تعیین کننده خود بر ساختار سیاسی یمن و جلوگیری از تثبیت قدرت انصارالله بوده است؛ در مقابل، ابوظبی در کنار مقابله با انصارالله، بر تقویت نیروهای تجزیه طلب جنوب و ایجاد شبکه‌ای از متحدان محلی برای تثبیت نفوذ خود در مناطق راهبردی جنوب و سواحل یمن تمرکز داشته است. این تفاوت در اولویت‌ها، اختلافی تاکتیکی و گذرا نیست، بلکه به برداشت متفاوت دو کشور از نظم سیاسی مطلوب در یمن بازمی‌گردد.

بحران‌های پیش روی ریاض و ابوظبی

نمونه روشن این تضاد، جایگاه شورای انتقالی جنوب و نیروهای خواهان جدایی جنوب یمن است. بخشی از نیروهایی که امارات از آنها حمایت می‌کند، صرفا به دنبال مشارکت در ساختار سیاسی دولت مورد حمایت عربستان نیستند، بلکه خواهان ایجاد یک موجودیت سیاسی مستقل در جنوب یمن هستند. تحقق چنین هدفی می‌تواند ساختار سیاسی مورد نظر ریاض را با چالش جدی مواجه کند؛ زیرا عربستان برای حفظ نفوذ خود به سازوکاری نیاز دارد که بتواند نیروهای مختلف مخالف انصارالله را زیر یک چتر سیاسی و نظامی گرد هم آورد. در مقابل، تقویت نیروهای جدایی طلب، به ویژه اگر این نیروها از منابع مالی و پشتیبانی نظامی امارات برخوردار باشند، احتمال شکل‌گیری مراکز قدرت مستقل از دولت مورد حمایت سعودی را افزایش می‌دهد. در نتیجه، هرچه ابوظبی در بازسازی شبکه نفوذ خود موفق‌تر عمل کند، امکان کنترل یکپارچه این نیروها از سوی ریاض کاهش می‌یابد.

از این منظر، بازگشت امارات به پرونده یمن می‌تواند همان تناقضی را احیا کند که پیش از این روابط دو کشور را به سمت تقابل سوق داده بود. عربستان برای مقابله با انصارالله به نیروهای محلی و ظرفیت نظامی امارات نیاز پیدا می‌کند، اما تقویت همان نیروها می‌تواند موقعیت متحدان سعودی و نفوذ سیاسی ریاض را تضعیف کند. به عبارت دیگر، عربستان ممکن است برای حل یک مشکل نظامی فوری، به سازوکاری متوسل شود که در بلندمدت مشکل سیاسی بزرگ‌تری برای آن ایجاد می‌کند. اگر نیروهای مورد حمایت امارات بتوانند با اتکا به منابع مالی تازه و پشتیبانی هوایی عربستان موقعیت میدانی خود را بهبود دهند، الزاما به معنای افزایش نفوذ دولت مورد حمایت ریاض نخواهد بود. این نیروها ممکن است پس از تقویت موقعیت خود، مطالبات سیاسی مستقل‌تری را مطرح کنند و حتی در مناطقی که عربستان آنها را بخشی از حوزه نفوذ خود می‌داند، به رقیبی برای متحدان سعودی تبدیل شوند.

نکته مهم دیگر آن است که همکاری فعلی دو کشور بر مبنای ضرورت‌های ناشی از تحولات میدانی شکل گرفته است. این ضرورت ممکن است در مقطعی اختلافات را به حاشیه براند، اما تا زمانی که درباره آینده جنوب یمن، جایگاه نیروهای جدایی طلب و حدود نفوذ هر کشور توافقی پایدار شکل نگیرد، نمی‌توان از پایان رقابت عربستان و امارات سخن گفت. حتی ممکن است افزایش فشار بر انصارالله، به جای حل اختلافات، رقابت دو کشور را وارد مرحله تازه‌ای کند؛ زیرا موفقیت‌های میدانی، ارزش سیاسی و چانه‌زنی نیروهای مورد حمایت هر طرف را افزایش می‌دهد و در نتیجه، مناقشه بر سر سهم هر یک از بازیگران در آینده یمن جدی‌تر می‌شود.

در چنین وضعیتی، هر دو کشور ممکن است در برابر انصارالله همکاری کنند، اما همزمان برای جلوگیری از گسترش نفوذ یکدیگر در مناطق تحت کنترل نیروهای مخالف انصارالله رقابت داشته باشند.

دست پازدن دشمنان یمن در باتلاق

از این رو، برخلاف تصویری که ممکن است از احیای همکاری دو کشور ارائه شود، ورود مجدد امارات به پرونده یمن لزوما به معنای تقویت پایدار موقعیت عربستان نیست. چه بسا ریاض برای مقابله با فشارهای فوری انصارالله، بار دیگر به همکاری با بازیگری روی آورده باشد که اهداف بلندمدتش در یمن با اهداف سعودی فاصله دارد؛ همکاری‌ای که می‌تواند در کوتاه مدت کارآمد به نظر برسد، اما در میان مدت انسجام جبهه مخالف انصارالله را بشکند و در بلندمدت اختلافات عربستان و امارات را عمیق‌تر کند.

خبر

رسانه عبری:

آمادگی ایران، آمریکا را به وحشت انداخته است

به اعتراف یک رسانه عبری زبان، آمادگی جمهوری اسلامی ایران، سردمداران آمریکا را وحشت زده کرده است.

به گزارش تسنیم، شبکه ۱۳ تلویزیون رژیم صهیونیستی در گزارشی که در پایگاه اطلاع رسانی خود منتشر کرد، خبر داد، اخبار رسیدن از آمادگی ایران برای پاسخ به (هرگونه ماجراجویی) دولت تروریستی آمریکا سبب شد تا دولت آمریکا سطح آماده باش خود را در میان کارمندان خود در سرتاسر خاورمیانه (غرب آسیا) به بالاترین سطح برساند.

این رسانه عبری زبان با استناد به گزارش‌های رسانه‌های غربی نوشت: دولت آمریکا در پی اطلاعات جاسوسی مبنی بر اینکه ایران در مراحل پیشرفته برنامه‌ریزی برای انجام اقداماتی علیه آمریکایی‌ها (در صورت هر نوع رفتار تجاوزکارانه آمریکا) قرار دارد، سطح آماده باش کارکنان خود را در سراسر خاورمیانه افزایش داده و اقدام به کاهش شمار کارکنان سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها کرده است. منابع خبری اعلام کردند که آمریکا به دیپلمات‌ها و دیگر کارکنان فدرال خود دستور داده است عربستان سعودی را ترک کنند و هم زمان در حال کاهش شمار کارکنان نمایندگی‌های دیگر خود در منطقه است.

همچنین گزارش شده است که مقام‌های اطلاعاتی در یادداشتی که به مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، تحویل داده شد، درباره خطراتی که کارکنان وزارت امور خارجه را در خاورمیانه و مناطق دیگر تهدید می‌کند، هشدار داده‌اند. این یادداشت که جی کلیتون، رئیس جامعه اطلاعاتی ملی آمریکا، آن را نوشته است.

تظاهرات ده‌ها هزار نفری مخالفان نتانیاهو در تل‌آویو

ده‌ها هزار مخالف نتانیاهو در تل‌آویو تظاهرات کردند. به گزارش تسنیم، ده‌ها هزار تن از مخالفان بنیامین نتانیاهو با برپایی تجمعی گسترده در تل‌آویو، خشم و نارضایتی خود را نسبت به سیاست‌های کابینه رژیم صهیونیستی ابراز کردند. معترضان صهیونیست با حضور در خیابان‌های تل‌آویو خواستار استعفای نخست وزیر شدند. شرکت کنندگان در این تجمع شعارهای تندی علیه رویکردهای کابینه رژیم صهیونیستی سر دادند. برخی تحلیلگران صهیونیست با انتقاد شدید از رویکرد نخست وزیر این رژیم، نسبت به پیامدهای فاجعه‌بار سیاست‌های او هشدار داده‌اند.

این تحلیلگران معتقدند سیاست‌های بنیامین نتانیاهو رژیم صهیونیستی را به سوی نابودی کامل سوق می‌دهد و بحران‌های کنونی در اراضی اشغالی بسیار فراتر از یک چالش اقتصادی ساده است. بنابراین رویکردهای جاری یک تهدید وجودی وجدی برای آینده این رژیم نامشروع و تروریستی به شمار می‌رود.

وقتی نقاب عقلانیت بوروکراتیک فرو می‌افتد

ادامه از صفحه اول

شهروند اروپایی درمی‌یابد که ماشین بوروکراسی غربی، کرامت انسانی او را قربانی بحران‌های اقتصادی خودساخته، تورم افسارگسیخته و مالیات‌های سنگین کرده و در برابر تحمیل هزینه‌های سنگین جنگ‌افروزی‌ها و سیاست‌های تبعیض‌آمیز، هیچ پاسخ اقناع کننده‌ای ارائه نمی‌دهد. هنگامی که کانال‌های رسمی و بوروکراتیک به انسداد کامل می‌رسند و احزاب سنتی و محافظه‌کار یا چپ‌گرا در چرخه‌ای تکراری از ناکارآمدی دست و پا می‌زنند، خشم فروخورده عمومی مستقیماً کف خیابان را هدف قرار می‌دهد و به رویارویی عریان با سازوکارهای پلیسی می‌انجامد.

گرایش فزاینده بخش‌های گسترده‌ای از جامعه، به ویژه نوجوانان و جوانان در فرانسه و ایتالیا، به رفتارهای رادیکال و شکل‌گیری فضایی شبه‌آنارشیستی، پیامد طبیعی احساس بی‌عدالتی مفرط، تحقیر اجتماعی و بی‌اعتمادی مطلق به نخبگان سیاسی حاکم است. دولت‌های اروپایی که زمانی دیگر ملت‌ها را به خویشتن‌داری و رعایت سازوکارهای دموکراتیک دعوت می‌کردند، اکنون برای مهار خشم عمومی به ابتدایی‌ترین ابزارهای تحدید آزادی، یعنی منع رفت‌وآمد شبانه و تعلیق حقوق عمومی متوسل شده‌اند. این چرخه سرکوب و طغیان اثبات می‌کند که سراب بوروکراسی کارآمد غربی رنگ باخته و نظم ادعایی لیبرال دموکراسی، در غیاب عدالت واقعی و پایبندی به شأن و منزلت انسان‌ها، حاصلی جز شورش، هرج و مرج و بن‌بست امنیتی به همراه نخواهد داشت.

سند مالکیت (برگ سبز) متعلق به یک دستگاه خودروی کامیونت ون سیستم زامیاد مدل ۱۳۹۸ به شماره پلاک ۶۶۹م۴۳ ایران ۹۵ به شماره موتور Z۲۴۷۹۱۳۱۱Z به شماره شاسی NAZPL۱۴۰TK۰۵۲۶۷۵۹ به نام ناصر ناروئی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) متعلق به یک دستگاه موتورسیکلت ایردوکو تیپ ۱۵۰ مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ۸۲۳/۷۸۳۹۱ به شماره موتور ۰۱۴۹NBD۰۰۲۵۶۱ به شماره تنه NBD۱۵۰S۹۵۰۱۶۲۲ به نام حسین مرادقلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) متعلق به یک دستگاه خودروی سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک ۸۷۹م۴۹ ایران ۸۴ به شماره موتور ۱۲۴۸۷۰۵۰۹۳۰ به شماره شاسی NAAN۰۱CA۹۸E۷۱۳۱۳۶ به نام امیر هاشمی‌پور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) و فاکتور فروش (سند کارخانه) متعلق به یک دستگاه خودروی سواری پژوپارس مدل ۱۴۰۰ به شماره پلاک ۱۳۵ق۳۹ ایران ۹۵ به شماره موتور ۱۳۹B۰۲۵۷۶۵۰ به شماره شاسی NAAN۱۱FE۱MH۷۵۱۵۱۰ به نام بهزاد تاسه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز وانت - مسقف سیستم اینرودز تیپ C۳۵ به رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک انتظامی ایران ۲۴- ۱۸۲ع۷۶ شماره موتور DK۱۵۰۶۲۲۳۲۹۵۹۵ شماره شاسی NAGD۲BC۲۱N۱۰۰۸۷۰ به نام شهرداری آبژدان به شناسه ملی ۰۹۱۵۸۹۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز خودرو وانت سیستم پیکان تیپ ۱۶۰۰ آی به رنگ سفید شیری روغنی مدل ۱۳۸۵ به شماره شاسی ۳۰۵۰۸۲۷۷ شماره موتور ۱۱۲۸۵۰۶۱۹۰۷ شماره پلاک ۳۱- ۹۷۶ج۸۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و شناسنامه مالکیت خودرو سواری پراید جی تی ایکس آی به رنگ سبز مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک ایران ۶۹- ۴۴۹ص۵۲ به شماره موتور ۰۱۰۸۶۴۰۰ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۴۴۶۳۹۵۲ به نام نصراله گرگیجی‌نیا فرزند حسن مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کلیه مدارک سند کمپانی و برگ سبز و کارت ماشین و شناسنامه مالکیت خودرو سایپا ۱۱۱ SE به رنگ نوک مدادی مدل ۱۳۹۴ به شماره پلاک ایران ۶۹- ۱۶۸ص۲۴ به شماره موتور ۵۴۵۹۱۱۴ شماره شاسی NAS۴۳۱۱۰۰F۵۸۴۰۱۸۹ به نام عباس آذرکیش فرزند رضا مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو وانت دوکابین سیستم مزدا تیپ CARA ۲۰۰۱ مدل ۱۳۹۶ به رنگ سفید روغنی به شماره نیروی انتظامی ۸۲ ایران - ۹۲۹و۳۵ شماره موتور E۲J۵۵A ۳۳۹۳ به شماره شاسی NAGP۲PC۳۲HA۲۶۷۹۸۷ به نام شایان دیوسالار کد ملی ۰۰۲۲۵۲۶۵۲۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب نیما صدری پور فرزند محمدرضا به شماره شناسنامه ۱۹۹۰۸۹۰۱۶۴ صادره از دزفول در مقطع کاردانی رشته حسابداری صادره از واحد دانشگاهی دزفول با شماره ۳۹۸۵۱۹۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول به نشانی بلوار دانشگاه ارسال نماید.

برگ سبز و کارت شناسایی خودرو وانت پیکان تیپ ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۸ به رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۸۹۵ق۲۵ ایران ۷۸ به شماره موتور ۱۱۴۸۸۰۷۳۲۲۱ به شماره شاسی NAAA۴۶AAIGO۸۹۳۷۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

بدینوسیله گواهی می گردد اصل پروانه بهره برداری آقای سامان ساکی پور به شماره ۳۵۹۹۷-۰۶ مورخ ۹۶/۸/۱۰ صادره از اداره صنعت معدن و تجارت استان خوزستان واقع در شهرستان دزفول با زمینه تولید شن و ماسه مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد و هیچگونه مسئولیت حقوقی و مالی متوجه اداره کل صنعت و معدن و تجارت نمی باشد.

اصل مدرک تحصیلی کاردانی ناپیوسته اینجانب خانم گیتا حسینی فرزند سید فخرالدین به کد ملی ۰۰۵۷۳۴۵۵۹۷ به شماره ۸۱۵۸/۷۹ از دانشگاه جامع علمی کاربردی آموزشکده کشاورزی کرج در رشته تولید قارچ خوراکی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به آدرس جاده محمدشهر شهرک بعثت مرکز آموزش امام خمینی تحویل نماید.

سند مالکیت (برگ سبز) سند کمپانی کارت موتور خودرو نئو ایکس آر ۱۱۰ رنگ سفید مشکی مدل ۱۳۹۳ به شماره انتظامی ایران ۶۲۸- ۵۵۶۱۹ شماره موتور OH۲ED۱۰۱۴۷۹۴ شماره شاسی N۲G***۱۱۰N۹۳۱۰۶۲۲ به مالکیت مهدی مرشد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) -سند کمپانی -پلاک موتور- موتورسیکلت CDI ۱۲۵ رنگ مشکی مدل ۱۳۹۳ به شماره انتظامی ایران ۶۲۹- ۱۶۸۲۴ شماره موتور ۰۱۲۵N۲N۳۴۴۷۱۲ شماره شاسی N۲N***۱۲۵E۹۳۲۸۵۰۹ به مالکیت محمدرضا دوستی ایرانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز خودروی موتورسیکلت باسل شینگ فو به رنگ نقره ای مدل ۱۳۸۳ به شماره تنه ۸۳۳۰۲۱۵۹ شماره انتظامی ۷۵۳۸۵۴۹۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز پژو ۲۰۷ مدل ۱۴۰۵ رنگ سفید پلاک ۹۷ ایران ۸۵۳ق۵۶ شماره موتور ۱۸۸B۰۱۵۰۴۸۰ شماره شاسی NAAR۷۳H۵FTDS۴۴۲۷۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری تیگو ۷ به شماره انتظامی ۹۸۴ل۷۲ ایران ۳۷ به شماره موتور MVME۴T۱۵BADK۰۰۸۲۴۰ شماره شاسی NATGBACR۴K۱۰۰۷۹۵۲ به مالکیت حسین آزور به شماره ملی ۶۴۰۹۹۲۷۰۱۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری ام وی ام مدل ۱۴۰۰ به شماره انتظامی ۷۲۳ن۵۷ ایران ۸۸ به شماره موتور MVMD۴G۱۵BWM۰۰۱۰۴ شماره شاسی NATFBABY۳M۱۰۰۰۴۵ به مالکیت مرتضی مرتضوی روز بهائی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری پراید مدل ۱۳۸۵ به شماره انتظامی ۲۶۸ن۱۲ ایران ۱۷ به شماره موتور ۱۵۶۱۲۷۲ شماره شاسی S۱۴۴۲۲۸۵۱۷۹۵۳۱ به مالکیت پژمان توتونچی رسول مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو هایما سواری مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۷۲- ۸۲۴ط۱۲ شماره موتور ۴۸۴QT۲۶۰۰۳۸۱۷A شماره شاسی NAAD۳۹۱Z۴NY۰۶۴۶۱۴ به نام مرضیه مفیدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سوزوکی سواری کار CC گرند ویتار ۲۴۰۰ مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ایران ۷۲- ۹۹۳ط۱۶ و شماره موتور ۱۱۹۶۹۶۲ شماره شاسی NAAS۳۹SE۹BK۰۲۳۲۴۲ به نام محسن الهیان فیروز مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

گواهی می شود فاکتور بلوک سیلندر به شماره ۹۹۰۰۴۷۸۵۲ به شماره موتور ۱۲۴۸۶۱۵۵۱۰۰ مربوط به خودروی سمند مدل ۱۳۸۶ به پلاک انتظامی ایران ۶۹- ۸۴۲ب۸۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت برگ سبز خودرو سواری پیکان i۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۳ به شماره انتظامی ۶۱- ۹۸۲م۷۲ شماره شاسی ۸۲۵۶۹۶۲۶ شماره موتور ۱۱۲۸۲۰۴۹۵۵۰ به مالکیت محمود چوپانی فرزند محمد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت برگ سبز موتورسیکلت رایکا کارخانه سالارگستر آسیا تیپ CDI ۱۲۵ مدل ۱۳۸۶ به شماره انتظامی ۶۲۵۶۱- ۶۲۳ شماره تنه NFM۱۲۵R۸۶۲۹۰۵۶ به شماره موتور ۱۵۶FMI۲۷۱۶۷۷۱۰۶ به مالکیت غلامرضا کریمی فرزند اسمعیل مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب محمد شهریاری فرزند وجیه اله به شماره شناسنامه ۱۴۴ صادره از کردکوی در مقطع کارشناسی رشته مهندسی برق -قدرت صادره از واحد دانشگاهی آزاد واحد علی آباد کتول با شماره ۱۵۲۵۶۷۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول به نشانی استان گلستان - شهرستان علی آباد - دانشگاه آزاد ارسال نماید.

برگ سبز خودروی سواری سیستم ساینا تیپ ۱۳۲TL مدل ۱۳۹۲ به رنگ سفید شماره پلاک ۹۶ ایران ۴۹۸ب۹۲ شماره موتور ۵۰۶۱۸۴۰ شماره شاسی NAS۴۲۱۱۰۰D۱۳۴۸۱۸۹ متعلق به خانم عاطفه واحدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

گواهی رای ماده صد صادره از شهرداری کلاردشت به شماره ۱۷۸۹۷ مورخه ۱۴۰۴/۱۲/۲۳ درخصوص ملک واقع در شهرستان کلاردشت لاهو -خیابان شهید سلطانی جنب مسجد ابوالفضل (ع) به نام آقای علی دادو مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل مدرک فارغ التحصیلی اینجانب بختیار سیدنظامی فرزند سلیمان و به شماره ملی ۴۳۲۳۴۳۳۴۹۲ و شماره شناسنامه ۲۸۰ صادره از قزوین متولد ۱۳۵۳ مقطع کارشناسی پیوسته رشته حقوق و به شماره تایید سازمان مرکزی ۱۷۹۲۱۶۶۰۱۰۵۱ مورخ ۱۳۹۳/۵/۴ و به شماره سریال ۲۴۵۳۴۶۵ صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد به نشانی کوی دانشگاه - دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد -کانون فارغ التحصیلان ارسال نماید.

برگ سبز خودرو سواری سیستم دنا مدل ۱۴۰۵ رنگ مشکی متالیک شماره پلاک ایران ۹۷- ۷۱۴د۸۹ شماره موتور ۱۴۷H۰۹۸۸۴۴۹ شماره شاسی NAAW۹۱HKATDS۳۷۰۳۸ متعلق به خانم نسیم جلیلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز سواری سایپا (تیبا) مدل ۱۳۹۴ سفید روغنی به شماره پلاک ۸۳۹م۶۲ ایران ۲۸ و شماره موتور ۸۲۳۴۵۸۸ و شماره شاسی NAS۸۱۱۱۰۰F۵۸۶۱۲۲۷ به نام سجاد رضائی پور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز - برگ تردد خودروی سواری تویوتا پرادو مدل ۲۰۰۹ به رنگ نوک مدادی متالیک به شماره موتور ۲TR۰۷۵۸۲۸۲ شماره شاسی JTEBL۲۹J۳۹K۰۰۸۳۰۷ به شماره انتظامی ۱۶۳۴۵- ۷۷ به نام احمد پاینده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز - سند مالکیت خودروی زانتیا SX مدل ۱۳۸۳ به رنگ نقره ای متالیک به شماره موتور ۰۰۴۰۶۴۵۷ شماره شاسی S۱۵۱۲۲۸۳۱۱۸۹۶۸ به شماره انتظامی ۴۵۸ص۳۹ ایران ۶۷ به نام وحید محمد باقری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

دفترچه کشاورزی به شماره ۷۱۱۳۰۳۷۰ به مساحت ۴/۰۳ هکتار واقع در کردکوی به نام سیدحاتم موسوی نژاد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز -کارت و پلاک عقب خودروی وانت نیسان مدل ۱۳۸۶ به رنگ آبی به شماره انتظامی ۵۷۲ب۳۴ ایران ۷۵ به شماره موتور ۴۲۱۲۳۸ و شاسی K۱۳۳۹۱۵ به نام زهره پورخسروانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری تارا مدل ۱۴۰۵ رنگ سفید به شماره انتظامی ۶۶۹ل۲۳ ایران ۳۴ به شماره موتور ۱۸۷B۰۲۵۳۱۶۷ شماره شاسی ۱۵۵۹۷ به نام رسول چنانه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز و کارت موتورسیکلت کویر ۱۲۵ سی سی مدل ۱۳۸۲ رنگ مشکی به شماره انتظامی ۸۲۴۸۳ ایران ۶۲۶ وشماره موتور ۲۹۱۲۲۷۵ و شماره تنه ۸۱۲۶۱۶۷ به نام مرتضی علیرضایی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز سواری پژو ۲۰۶ هاچ بک مدل ۱۳۸۵ رنگ نقره ای به شماره انتظامی ۳۸۶ب۴۵ ایران ۲۳ به شماره موتور ۴۰۱۳۹۵۸ شماره شاسی ۱۰۸۳۴۰۱۲ به نام کاظم کبودانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اینجانب صادق همتیان مالک خودرو سواری پژو ۴۰۵ GLXI مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۲۲۱د۲۵ ایران ۲۳ به شماره شاسی NAAM۱۱CA۸BK۶۳۲۹۴۰ به شماره موتور ۱۲۴۸۹۱۷۳۴۶۲ به علت فقدان اسناد فروش (سند کمپانی) تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکانشهر ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

برگ سبز اتومبیل سواری پژو ۴۰۵ GLXI مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۲۲۱د۲۵ ایران ۲۳ به شماره شاسی NAAM۱۱CA۸BK۶۳۲۹۴۰ به شماره موتور ۱۲۴۸۹۱۷۳۴۶۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) کامیونت ون نیسان به شماره انتظامی ۶۶۷ی۳۶ ایران ۳۳ و شماره موتور ۳۳۸۳۵۵ و شماره شاسی J۰۲۸۴۳۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (شناسنامه) و برگ کمپانی (سند) و کارت خودرو بنز تک ۱۹۲۱ به شماره انتظامی ۱۲۱ع۵۵ ایران ۷۸ مدل ۱۳۵۴ به نام میلاد نثاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) متعلق به یک دستگاه خودروی سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ۸۱۲ج۹۲ ایران ۹۵ به شماره موتور ۱۲۴۸۸۳۲۱۲۶۹ شماره شاسی NAAM۰۱CA۱AE۸۶۱۹۹۳ به نام حامد دامنی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز موتورسیکلت آرمین مدل ۱۳۹۱ به شماره انتظامی ۴۲۶- ۴۶۱۵۷ به شماره تنه N۲K***۱۲۵F۹۱۰۱۴۳۷ شماره موتور ۱۵۶FMI۹۱۰۰۳۸۳۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (شناسنامه مالکیت خودرو) سواری پژو ۲۰۶ SD آریان مدل ۱۳۸۸ به رنگ خاکستری به شماره انتظامی ۲۸۳ق۶۹ ایران ۷۲ به شماره موتور ۱۳۱۸۷۰۱۴۸۲۵ شماره شاسی NAAP۳۱EG۶۹J۲۱۹۱۸۶ به نام سمانه ابراهیمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

دفترچه مالکیت تراکتور بیل بکهو شرکتی ام اف مدل ۳۹۵ به رنگ زرد فاقد پلاک شماره شاسی ۳۷۱۱۳۳۶۸- T به شماره بدنه موتور L- ۱۴۲۵۷۷۳۷۱۱۳۰۱۰ به نام احمد احمدزاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مجوز اسلحه پران شکاری ساخت کشور روسیه کالیبر ۱۲ مدل کوسه نوع تک لول شماره مجوز ۲۸۰۵۶۷۸ تاریخ صدور ۱۴۰۰/۱۲/۷ تاریخ انقضا ۱۴۰۵/۱۲/۳ به نام حسین علی رحمی به کد ملی ۴۵۰۱۲۳۶۲۹۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

گواهینامه موقت پایان تحصیلات اینجانب طاهره نورمحمدی فرزند اکبر متولد ۱۳۷۰ به کد ملی ۶۱۶۰۰۰۵۵۶۱ صادره از ایوان در مقطع تحصیلی فوق لیسانس رشته کامپیوتر در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام به نشانی ایلام بلوار دانشجو به کدپستی ۶۹۳۱۱۳۱۴۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز موتورسیکلت کلیک زرد رنگ مدل ۱۴۰۰ به شماره پلاک ۴۵۱۲۴- ایران ۱۵۸ به شماره موتور ۰۱۴۹NBP۳۰۰۴۳۸ شماره شاسی NBPMUGFLMMG۰۰۴۳ به نام حمیدا لوندی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل شناسنامه مالکیت (برگ سبز) سواری سیستم پژوپارس تیپ PARSXU۷P مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید به شماره موتور ۱۲۵K۰۰۰۹۷۴۴ شماره شاسی NAANA۱۵E۴NH۴۴۷۵۵۷ به شماره پلاک انتظامی ایران ۲۴- ۴۹۵د۳۴ به نام مالک شدی حیدرپور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل شناسنامه مالکیت (برگ سبز) سواری سیستم SAMAND تیپ SOREN +XU +P مدل ۱۴۰۵ به رنگ سفید به شماره موتور ۱۲۵K۰۶۰۰۷۷۴ شماره شاسی NAACV۱HLFTBR۷۹۷۰۵ به شماره پلاک ایران ۹۸- ۶۴۴ط۲۸ و به نام مالک کلانتر چهاربند مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند کمپانی سواری پژو ۲۰۷ هاچ بک مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ۳۳۲ص۶۲ ایران ۵۷ و شماره موتور ۱۶۶B۰۰۸۳۶۰۵ شماره شاسی NAAR۰۳FE۲NJ۳۶۲۸۰۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری پژو ۲۰۷ هاچ بک مدل ۱۴۰۵ به شماره پلاک ۷۷۵م۷۱- ایران ۱۶ به شماره موتور ۱۸۸B۰۱۵۲۴۱۲ و شماره شاسی NAAR۷۳H۵FTDS۵۳۲۷۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری ولیکس مدل ۱۳۹۴ به شماره انتظامی ۸۴۴ص۴۷ ایران ۲۷ به شماره موتور GW۴G۱۵۱۵۰۱۰۷۶۶۸۷ شماره شاسی NA۶NF۲۱۱۵FC۰۰۵۲۷۰ به مالکیت رضا عباسی تابیه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز وانت سیستم تویوتا تیپ ۱۶۰۰ مدل ۱۹۸۴ به رنگ سبز متالیک به شماره موتور ۰۰۲۶۳۲۴ و شماره شاسی ۰۰۰۰۳۵۳۴ و شماره پلاک ایران ۸۳- ۱۹۴س۱۴ بنام نوشاد عبدالهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز سواری کرایه سیستم پژو تیپ ۴۰۵ GLX XU۷ مدل ۱۳۹۱ به رنگ زرد روغنی به شماره موتور ۱۲۴K۰۰۰۲۲۱۴ و شماره شاسی NAAM۰۱CAXCH۳۹۲۰۴۷ و شماره پلاک ایران ۸۳- ۴۵۹ع۷۷ بنام علی قلی بازیار مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز- کارت پلاک - سند فروش خودروی وانت ۲۴۰۰ زامیاد به رنگ آبی مدل ۱۳۸۹ به شماره موتور ۵۶۱۲۷۹ و شماره شاسی NAZPL۱۴۰TIN۲۶۷۴۹۳ به شماره انتظامی ۸۵۴ د۲۵- ایران ۹۵ به نام زینت یارمحمد زهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی کامیونت ون نیسان ۲۴۰۰ به رنگ آبی روغنی مدل ۱۳۸۷ به شماره موتور ۴۴۸۸۹۹ و شماره شاسی L۱۶۲۳۴۱ به شماره انتظامی ۶۹۱ س۱۳- ایران ۹۵ به نام عبدالواحد دهواری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی وانت سهند ۴۰۰۰ خودروسازان فتح به رنگ بژ متالیک مدل ۱۳۷۹ به شماره موتور IFZ۱۰۰۱۵۰۵ و شماره شاسی C۷۸۱۱۱A۴۹۳ به شماره انتظامی ۹۹۵ق۲۱- ایران ۹۵ به نام رحیم بخش عبدالهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت پلاک موتورسیکلت زال توس ۱۵۰CC به رنگ قرمز آلبالویی مدل ۱۳۹۵ به نام حامد ملکی به شماره انتظامی ۷۷۹۲۳- ۸۲۳ به شماره موتور ۰۱۵۰N۳N۲۰۶۲۲۲ و شماره شاسی N۳N***۱۵۰Z۹۵۷۵۵۸۰۹ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

پلاک خودروی وانت تویوتا استاوت ۲۰۰۰ به رنگ زرد روغنی مدل ۱۹۸۴ به نام حسین دلیری به شماره انتظامی ۶۹۲ س۲۸- ایران ۹۵ به شماره موتور ۵R۲۲۰۹۱۱۵ وشماره شاسی RK۱۱۰۶۱۲۶۵۴ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) و کارت پلاک خودروی وانت تویوتا استاوت ۲۰۰۰ به رنگ سبز روغنی مدل ۱۹۸۴ به نام حسین دلیری به شماره انتظامی ۶۵۲ س۲۶- ایران ۹۵ به شماره موتور SR۲۱۷۸۱۹۱ و شماره شاسی RK۱۱۰۶۰۸۰۲۲ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو وانت تک کابین تویوتا مدل ۱۹۸۴ به رنگ سبز روغنی به شماره موتور ۰۰۸۴۴۶۹ و شماره شاسی ۰۰۳۱۶۳۶ به شماره انتظامی ۲۱۸ ل۵۶- ایران ۵۳ به نام مصطفی شفیعی ینگ آبادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند و فاکتور فروش - سند مالکیت (برگ سبز) و کارت هوشمند سوخت خودروی سواری پراید جی تی ایکس آی به رنگ مشکی مدل ۱۳۸۵ به نام فهیمه اصغری به شماره انتظامی ۵۲۲ل۹۱- ایران ۴۵ به شماره موتور ۱۷۳۲۹۰۹ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۵۹۶۵۸۶۳ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری پراید جی تی ایکس ای مدل ۱۳۸۹ به شماره موتور ۳۷۸۱۷۰۶ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۹۶۷۷۷۴۹ به رنگ سبز زیتونی به شماره انتظامی ۳۲۳ ق۲۴- ایران ۹۵ به نام عارف شاهوزیی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

گواهینامه موقت پایان تحصیلات اینجانب میثم کمالی فرد فرزند حسین به شماره شناسنامه ۰۸۰۰۳۱۸۷۳ رشته مهندسی تکنولوژی عمران مقطع کارشناسی ناپیوسته از موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی غیر دولتی هاتف- زاهدان به شماره ۹۰۹/۱- ۹۵/۰۲/۰۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت پلاک خودروی وانت تویوتا ۲۰۰۰ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۹۸۳ به نام جلال حسنی به شماره انتظامی ۱۲۵ ع۳۱- ایران ۵۱ به شماره موتور ۲۱۶۰۱۹۲ و شماره شاسی ۶۰۴۵۷۱ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند سفید - پروانه تردد خودروی سواری هیوندا اکسنت به رنگ نقره ای مدل ۲۰۱۱ به شماره انتظامی ۲۳۶۹۵ به شماره موتور G۴FCBW۲۵۹۵۶۷ و شماره شاسی KMHCT۴۱D۹CU۰۶۱۰۶۲ به نام عبدالعزیز آژ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کلیه مدارک - کارت - سند - برگ سبز - کارت سوخت خودروی وانت زامیاد مدل ۱۳۹۷ به شماره موتور Z۲۴۷۶۶۸۱۸Z و شماره شاسی NAZPL۱۴۰BJ۰۵۰۳۹۷۹ به شماره انتظامی ۲۶۲ س۸۸- ایران ۹۵ به نام علی پورمند مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری پژو ۴۰۵GLX-XU۷ مدل ۱۳۹۱ به رنگ نقره ای به شماره موتور ۱۲۴۹۱۰۳۵۴۷۰ و شماره شاسی NAAM۰۱CAXCH۳۸۹۱۴۷ به نام محمد امین ریگی به شماره انتظامی ۷۷۵ ط۸۴- ایران ۸۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

ابلاغیه

به اطلاع می رساند درخواست ارائه شده از سوی متقاضی (آقای حامد رضاقلی) شاغل در آن واحد مبنی بر استفاده از مزایای بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان آور (موضوع ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی) در جلسه مورخ ۱۴۰۵/۶/۱۰ کمیته بدوی مشاغل سخت و زیان آور استان کردستان مورد بررسی قرار گرفته و تصمیماتی به شرح ذیل اتخاذ گردیده است.

نام متقاضی	حامد رضاقلی	
نام شرکت / کارگاه	مشاغل تائید شده گروه الف	مشاغل تائید شده گروه ب
شرکت پیام آوران انرژی	کارگر ساده	
شرکت خدماتی ارمغان جوانان کردستان		
شرکت سیاماد		
شرکت مدیریت نصب و تعمیرات نیروی	کارگر فنی	
شرکت پارسیان کار سنندج	تکنسین تاسیسات / تکنسین تاسیسات ۱	

رای صادره مستند به تبصره ۵ ماده ۸ آئین نامه مشاغل سخت و زیان آور از تاریخ ابلاغ به مدت ۱۵ روز اداری قابل تجدیدنظرخواهی (به صورت کتبی در قالب فرم شماره ۴) در کمیته تجدیدنظر بوده و در صورت عدم اعتراض هریک از طرفین و قطعی شدن آن رای مزبور به استناد تبصره ۲ ماده ۱۶ قانون تشکیلات اداری و آئین دادرسی قانون دیوان عدالت اداری ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ برای اشخاص داخل کشور و شش ماه از تاریخ ابلاغ برای افراد مقیم خارج از کشور قابل فرجام خواهی در دیوان اداری خواهد بود.

مقتضی است در صورت قطعی شدن آراء مذکور (عدم اعتراض و یا در صورت تائید آرا توسط کمیته تجدیدنظر) درخصوص مشاغل تائید شده در گروه الف براساس ماده ۳ مصوبه ۱۵۳۶۵/ت ۳۶۰۰۵ه مورخ ۸۶/۲/۵ هیات محترم وزیران (موضوع آئین نامه بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان آور) جهت بهسازی و استاندارد نمودن عوامل محیط کار کارگران شاغل مطابق حد مجاز و استانداردهای مشخص شده در قانون کار و آئین نامه های مربوطه اقدام و از نتایج حاصله این اداره کل را مطلع فرمائید.

ماده ۳ مصوبه ۱۵۳۶۵/ت ۳۶۰۰۵ه مورخ ۸۶/۲/۵ هیات محترم وزیران

کارفرمایان کارگاههای دایر که از تاریخ تصویب این آئین نامه تمام یا برخی از مشاغل آنها در کمیته های بدوی و تجدید نظر استانی یا شورای عالی حفاظت فنی سخت، سخت و زیان آور شناخته شده یا می شود مکلفند ظرف دو سال از تاریخ ابلاغ تصمیم قطعی کمیته یا شورا حسب مورد نسبت به ایمن سازی عوامل و شرایط محیط کار مطابق حد مجاز و استانداردهای مشخص شده در قانون کار و آئین نامه های مربوطه (مصوب شورای عالی حفاظت فنی) و سایر قوانین موضوعه در این زمینه اقدام و صفت سخت و زیان آوری مشاغل موضوع بند الف ماده (۱) را حذف و نتیجه را کتبا به کمیته بدوی موضوع ماده ۸ آئین نامه اجرایی مذکور برای بررسی و تائید گزارش نمایند.

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۸/۴ م الف ۱۰۵۸۵

کوروش شعبانی - مدیر روابط کار